

## پژوهشی در تحول و تکوین نقش فرشتگان در منابع تصویری قبل از اسلام

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۴/۰۸

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۴/۲۵

کد مقاله: ۷۷۹۱۵

نرجس مؤمنی<sup>۱</sup>

### چکیده

هر پدیده‌ی زیبا در جهان هستی می‌تواند از منظر هنر مورد توجه قرار گیرد. انسان برای ارتباط با خدایان، آنان را در نقش پیکرهای بالدار به تصویر کشیده است که در گذر زمان تکامل یافته، از فرم بدوی فاصله گرفته و تحت عنوان سمبل و نماد شناخته شده‌اند. برای درک این نقوش باید برداشت‌های شخصی بشر در آن زمان را مورد بررسی قرار داد. در تاریخ هنر ایران، از نشانه‌های رمزگونه برای به تصویر کشیدن عقاید و اندیشه‌های آئینی استفاده شده است. با تأمل در تاریخ هنر ایران باستان، شاهد نقش پیکره‌ی انسان بالدار و حیوانات تلفیقی بالدار هستیم. این مفهوم و نماد سمبولیک طبق فرضیه‌ی مطرح شده به‌نوعی بیان‌کننده مفهوم ایزدی و تعداد بال‌ها نشان از سرعت و قدرت بوده است. نقش بال در حجاری‌ها، نگاره‌ها، مهرها، سفالینه‌ها و حتی ادوات جنگی از آغاز ایران باستان تا دوره اسلامی دیده می‌شود. پژوهش و مطالعه در منابع تصویری به‌جای مانده با روش توصیفی و تحلیلی، از انسان بالدار، بیانگر این نکته است که تجسم فرشته تنها به‌صورت انسان بالدار نبوده و به‌طور آخص یک نماد ایرانی نمی‌باشد، در واقع نقش بال پیش از اسلام، نمادی از قدرت و علامتی ایزدی بوده است. بر اساس شواهد و دلایل، احتمالاً منشأ فرشته و بال از بین‌النهرین می‌باشد. شکل و ظاهر بال در نخستین به‌کارگیری آن‌ها یعنی در هزاره سوم قبل از میلاد، با توجه به کهن‌ترین نمونه‌ی انسان بالدار (مربوط به دوره اکد)، نقشی ساده است؛ اما بال‌های سه‌قسمتی هخامنشیان دارای شکل خاص و پیکری سه‌قسمتی می‌باشد که آن را نسبت به سایر دوران متفاوت می‌کند.

واژگان کلیدی: انسان بالدار، فرشتگان بالدار، نقش فرشته، نقش بال

۱- دانشجوی ارشد ارتباط تصویری، گروه ارتباط تصویری، دانشکده هنرهای تصویری، دانشکده‌گان هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، تهران،

انسان خویشتن را در عالم ماده محسوس و نیروهای ماورائی و ایزدی را غیر محسوس می‌داند و آن‌ها را در عالم خواب و یا در آسمان تجسم می‌کند، به همین دلیل موجود یا موجوداتی را با ویژگی‌های آسمانی و ماورائی واسطه‌ی بین عالم محسوس و غیر محسوس تصور می‌کند. در واقع موجوداتی را تجسم می‌کند که در گذر تاریخ و فرهنگ به نمادی مهم بدل گشته است. مهم‌ترین این نماد و نقش مایه‌ها، فرشته‌ی بالدار است. نقش فرشته از مهم‌ترین نمادهای خیر در آثار مذهبی، اساطیری و سیاسی قبل از اسلام، در ایران بوده است. از منابع تصویری و مکتوب ایران در ادوار مختلف چنین برداشت می‌شود که فرشته، نمادی از الوهیت بوده و سنت‌های تصویری پیرامون آن در هر زمان با تفکر و ذوق هنرمندان هر دوره متفاوت بوده است. با بررسی این نماد، مفهوم و ویژگی‌های کارکردی آن، شاخص‌های فرهنگی و مفاهیم تصویری یک جامعه را می‌توان بازیابی کرد.

فرشته، موجودی ماورائی، نامرئی و لطیف که فراتر از زمان، مکان و قدرت بشری بین آسمان و زمین و عوالمی وسیع‌تر سیر می‌کند. در آموزه‌های دینی اکثر ادیان، فرشتگان مخلوقاتی آفریده‌ی پروردگار هستند. فرشته رابط میان خداوند و انسان، مخلوقی آسمانی است که در اکثر تمدن‌ها به صورت پیکره‌ی انسان بالدار تصور شده است. فرشته، رمز و نقشی کهن است که در تمامی ادیان و تمدن‌ها راه رسیدن به سوی ملکوت را میسر می‌کند. تصویر و نقش خیالی و لطیف که رابط خداوند و کائنات می‌باشد. پس فرشته می‌تواند با مفاهیم آسمانی و مقدس ارتباط نزدیک داشته باشد و این موضوع خود باعث اهمیت یافتن تصاویر و نقش فرشته می‌باشد، موضوعی که همواره ذهن بشر به آن پرداخته است. در گذر زمان، فرشتگان بر اساس باورها و اعتقادات، در موضوعاتی که امور معنوی و مذهبی محوریت اصلی آن است و انسان در ارتباط با عالم ماورایی قرار دارد به تصویر کشیده شده‌اند و مورد توجه هنرمندان قرار گرفته است، مانند داستان‌های بشارت تولد مسیح به مریم مقدس و یا داستان‌هایی از انجیل و...

فرشتگان در هنرهای قدسی شرق و غرب دارای ویژگی‌های تصویری مشابه و متفاوت هستند و گاهی از نظر موضوع نیز با یکدیگر تفاوت دارند. به‌طور مثال فرشتگان در دوره‌ی بیزانس، با ویژگی‌های روحانی، ملکوتی، سبک و سیال در فضا می‌باشند در صورتی که بعد از رنسانس اکثراً دارای ویژگی‌های مادی و انسانی می‌شوند و شاهد نقوش فرشتگان رنگارنگ و متفاوتی هستیم که پس از گذشت زمان در یک موضوع مذهبی و قدسی تغییر و تحولات بسیار داشته‌اند. فرشتگان با جنبه مادی و زمینی را در هنر دوره رنسانس شاهد هستیم که از حالت ماورائی و ملکوتی بودن آنان بسیار کاسته شده است. فرشتگانی که گویی نه در آسمان، بلکه در زمین همراه با انسان زندگی روزمره خویش را سپری می‌کنند. تصاویر و نقوش فرشتگان از اهمیت خاصی برخوردار است زیرا دارای رموز و ویژگی‌هایی می‌باشد که اندیشه در باب موجودات آسمانی را در گذر زمان بیان می‌کند. در این پژوهش که با هدف مطالعه‌ی تحول و تکوین نقش فرشتگان در منابع تصویری قبل از اسلام تنظیم شده، به مبحث منشأ فرشته، بال و سیر تحول بال در فرشته پیش از اسلام در ایران باستان خواهیم پرداخت.

## ۲- لغت‌شناسی فرشته

فرشته در ادبیات و فرهنگ ایرانی نماد کمال، لطافت و زیبایی است، موجودی که بازیابی ملکوت را امکان‌پذیر می‌کند. تلفظ فرشته در زبان سانسکریت، پرشته می‌باشد. در زبان پارسی باستان، فرشته (فرشیته، افرشته، فرسته، فرستک) یا سروش به معنای فرستاده و قاصد بوده است و «پرا ایش ته» تلفظ می‌شده است. در زبان عربی فرشته، هاتف و ملک نام‌گرفته است، دانشمندان مسلمان در ارتباط با عربی بودن واژه ملک متفق‌القول هستند اما در مورد اصل کلمه تردیدهایی وجود دارد. راغب اصفهانی معتقد است: «فرشته‌ای که عهده‌دار تدبیر امور و سیاست باشد، ملک و به بشری که عهده‌دار سیاست باشد ملک گویند» (اصفهانی، ۱۳۸۸: ۸۲).

برای فرشته دو واژه در ادبیات صائبین بکار رفته است، ملاحی برای فرشتگان تاریکی و ملکا به معنی فرشته‌ی پادشاه، برای فرشتگان نورانی و خوب استفاده می‌شده است. زبان صائبین برگرفته از زبان آرامی است، با تأمل در این دو واژه، به این نتیجه می‌رسیم که هر دو از کلمه‌ی ملاک و زبان آرامی اخذ شده‌اند و به معنای رسول می‌باشند (طوسی، ۱۳۹۳: ۷۳). فرشته، پیک، فرستاده و سفیر، موجودی آسمانی، روحانی و نورانی که دارای صورت زیبا و سیرت نیکوست که به چشم سر نمی‌توان آن را دید. از واژه eggelos از کلمه Angel مشتق شده که آن نیز خود در عربی mal'ak به معنا و مفهوم پیام‌آور ترجمه گشته است. در غرب از واژه Angel برای تمایز پربان نیک‌سروست از بدسروست بهره گرفته شده است. در آیین یهود و کتاب مقدس، فرشتگان واسطه میان پروردگار و جهان مادی بودند و بارها از آن‌ها یاد شده است. در عالم ملکوت، فرشتگان بندگانی هستند که دستورات الهی را بر روی زمین اجرا می‌کنند. کلمه ایزد در آیین زرتشت به فرشته اطلاق می‌گردد (دهخدا، ۱۳۸۵: ۲۱۰۵).

در واقع در ادیان و فرهنگ‌های مختلف در گذر زمان، برای این موجود آسمانی و ماورائی، وظایف و دسته‌بندی‌های متفاوتی در نظر گرفته شده است. با این وجود در تمامی زبان‌ها با ریشه‌های مختلف، برای کلمه‌ی فرشته معنای پیام‌آور، رسول یا فرستاده لحاظ شده است.

### ۳- بررسی فرشتگان در ادیان

#### ۳-۱- فرشتگان در دین یهود

در دین یهود، فرشتگان حامل وحی به افراد خاص بوده و دستورات الهی را بر روی زمین اجرا می‌کنند. گناهکاران را به سزای اعمالشان رسانده و مؤمنین را یاری می‌نمایند. در عهد عتیق بارها به فرشتگان اشاره شده است. خورخه لوئیس بورخیس می‌گوید: عهدعتیق سرشار از گونه‌های متفاوت فرشتگان است، برخی از آن‌ها چند ساحتی و ناشناس در دشت‌ها و جاده‌ها رؤیت می‌شوند و درک ماهیت ملکوتی و فوق بشری آن‌ها فوراً امکان‌پذیر نمی‌باشد. طایفه‌ای از آن‌ها در نقاط مختلف راهنمای مردم‌اند. گروهی دیگر فرشته‌های سلحشور هستند، همچون ملک سردار خداوند<sup>۱</sup> که بر یوشع نازل شد (اخوت، ۱۳۹۲: ۷۰). این فرشتگان همواره در بارگاه پروردگار هستند و اجرای اوامر دنیایی به عهده‌ی آنان است. ایشان واسطه‌ی میان پروردگار و جهان مادی می‌باشند. در قاموس کتاب مقدس این‌گونه ذکر شده است که فرشتگان بسیار باهوش، زیرک و دارای قدرت عجیب می‌باشند و مؤنث و مذکر ندارند (هاکس، ۱۳۷۷: ۹۶).

برخی از فلاسفه یهودی، ویژگی‌های فرشتگان را این‌گونه بیان می‌کنند: جاودانند، آسمانی‌اند، بی‌نیاز از تغذیه‌اند، قوه ناطقه و عاقله دارند، دارای قدرت معجزه می‌باشند. آن‌ها معتقدند، موجودات برتر از آدمیان، در قدرت و علم وجود دارند. آنان آفریده‌ی پروردگار و تحت فرمان او هستند. در کتاب مقدس به‌طور واضح تمایزی میان پروردگار و پیام‌آورانش ذکر نشده است. بعضی از مفسرین یهودی، فرشته را تجلی قدرت و تصمیمات پروردگار می‌دانند و از نظر آن‌ها فرشته موجودی مستقل نیست. بسیاری از فلاسفه وجود فرشتگان را تأیید می‌کنند، از جمله ابن دانود (فیلسوف اسپانیایی، قرن ۱۲)، او در کتاب (امونا راما) با دلایل عقلانی، وجود فرشتگان را به اثبات رسانده است (اخوت، ۱۳۹۲: ۵۹). از اشخاص مهمی که نظریاتش در باب فرشتگان همیشه مورد توجه بوده است، می‌توان به ابن میمون اشاره کرد. «ابو عمران موسی بن میمون، دانشمند و فیلسوف یهودی اندلسی (۱۱۳۵-۱۲۴۰ میلادی)، در کتاب دلالة الحاترین، می‌نویسد: فرشته‌ها ابتدا اسم نداشتند و فقط به آن‌ها ملخ<sup>۲</sup> می‌گفتند؛ که در عبری به معنای فرستادن [فرستاده] است» (همان: ۵۹). او معتقد است در کتاب مقدس، از میان تعداد کثیری از فرشتگان تنها جبرئیل و میکائیل دارای اسم هستند و دیگر فرشتگان اسم مشخصی ندارند. طبق نظریات ابن میمون، یهودیان نام فرشتگان را از بابلی‌ها آموخته‌اند. اضافه شدن پسوند e در پایان نام فرشته‌ها (همچون دنیل<sup>۳</sup>، گابریل<sup>۴</sup> و...) به معنی خدای، در اصل بابلی است. به این معنی که گابریل (جبرئیل) از دو بخش (قدرت) و (خدا) به معنای قدرت خدا یا توان خدادادی است. از نظر ابن میمون، فرشته‌ها دارای شکل، اما فاقد ماده هستند. آن‌ها نه به لحاظ جسمی، بلکه به لحاظ روحی با یکدیگر تفاوت دارند و تنها در عالم خواب به شکل انسان بالدار ظاهر می‌شوند.

#### ۳-۲- فرشتگان در مسیحیت

فرشتگان در مسیحیت، موجودات نیک سرشتی هستند که انسان‌ها را برای رسیدن به رستگاری یاری نموده و حقایق الهی را آشکار می‌سازند. سلسله‌مراتب فرشتگان در الهیات مسیحی این‌گونه است:

سه‌گانه علیا	سه‌گانه‌ی اواسط	سه‌گانه‌ی سفلی
سرافیم <sup>۵</sup>	فرمانروایان <sup>۶</sup>	امارت‌نشینان <sup>۷</sup>
کروبیان <sup>۸</sup>	فضیلت‌مداران <sup>۹</sup>	ملکان مقرب <sup>۱۰</sup>
کرسی‌نشینان <sup>۱۱</sup>	نیرومندان (قدرت‌های برتر) <sup>۱۲</sup>	فرشتگان <sup>۱۳</sup>

- 1- Captain of Lord's host
- 2- Malakh
- 3- Daniel
- 4- Gabriel
- 5- Saraphim
- 6- Dominations
- 7- Principalities
- 8- Cherubim
- 9- Virtues
- 10- Archangels
- 11- Thrones
- 12- Powers
- 13- Angels

«در این نظام فرمان‌ها از بالا به پایین است، از جانب خداوند صادر می‌شود، از نظر فراسیم می‌گذرد تا به فرشته‌های کارگزار برسد؛ این‌ها در حقیقت واسطه‌ی میان عرش اعلاء و جهان مادی هستند» (همان: ۷۵). در جای‌جای کتاب انجیل، علی‌الخصوص در شرح زندگی مسیح، به‌طور متعدد به فرشتگان اشاره شده است. در این کتاب مقدس، فرشتگان در اکثر مواقع نقشی انتقادی دارند (صفارهرندی، ۱۳۹۱: ۱۳). از مهم‌ترین عملکرد فرشتگان، خدمت و ستایش خداوند و انجام فرامین او بر روی زمین است. گاهی به خواست و اراده‌ی او، در امور بشر مداخله می‌کنند؛ به مؤمنان پاداش داده و ستمگران را به جزای اعمالشان می‌رساند. به ضعیفان یاری‌رساننده و اشرار را از بین می‌برند. عقیده‌ی کلیسای کاتولیک، امروزه بر این است که آفرینش فرشتگان، قبل از آدمیان بوده و آنان را محافظ بشر و مجرد از ماده می‌دانند. در کلیساهای مسیحیت، مدح و عبادت برخی از فرشتگان مانند فرشته‌ی جنگجو یا میکائیل مرسوم است.

### ۳-۳- فرشتگان در دین زرتشت

امشاسپندان<sup>۱</sup> و ایزدان دو گروه از آفرینندگان اهورامزدا هستند که در گروه فرشتگان جای می‌گیرند. امشاسپندان یا امشه سپنته از دو جزء امشه به معنی جاودانگی و بی‌مرگی و سپنته به معنای مقدس و پاک و بی‌آلایش ترکیب یافته که معنای آن مقدسان بی‌مرگ یا جاودانان پاک می‌شود (همان: ۹). در گائاه‌ها، امشاسپندان، جلوه‌ها و انواری هستند منبعث از نور مطلق و آتش، کنایه از خدا، معرفت و دانش (رضی، ۱۳۷۹: ۸۶).

در اوستای متقدم، امشاسپندان جلوه‌های اهورامزدا بوده و در حقیقت واسطه‌ی میان او و جهان هستی به‌شمار می‌آیند. هریک از آنان، مسئول بخشی از خلقت نیکو بوده و از میان دیوان، دشمن مشخصی دارند. در اصل تعداد امشاسپندان شش بوده است، اما گاهی در منابع، هفت امشاسپند معرفی شده است. در بعضی از متون متأخر، ایزد سروش را یکی از امشاسپندان معرفی کرده‌اند. برخی سپند مینو (سپنته مئینو)<sup>۲</sup> را نخستین امشاسپند و بعضی دیگر خود اهورامزدا را امشاسپند هفتم می‌دانند (آموزگار، ۱۳۹۲: ۱۶). سپند مینو، نماد اصلی اهورامزدا به معنای مقدس و روح‌افزا است.

#### • امشاسپندان اصلی

بهمن	اسفندارمد
اردیبهشت	خرداد
شهریور	آمرداد

معمولاً آمرداد و خرداد، در متون همراه باهم ذکر می‌شوند و راهنمای رویش در زندگی می‌باشند. اوزمزد نه‌تنها آفریننده‌ی امشاسپندان بلکه خالق ایزدان، موجودات قابل ستایش نیز هست. در اصل واژه‌ی ایزدان به فرشتگانی گفته می‌شود که رتبه‌ی آنان پایین‌تر از امشاسپندان باشد. هر ایزد، دارای یک یا چند صفت هورایی می‌باشد؛ که به‌نوعی در ردیف فرشتگان به‌شمار می‌آید. این موجودات مقدس و قدرتمند، یاری‌کننده‌ی اهورامزدا و مؤثر در زندگی و سرنوشت آدمیان بوده و با امور دنیوی مرتبط هستند. در برخی از منابع مکتوب، تعدادی از ایزدان، این‌گونه معرفی شده‌اند: میترا، میتره، مهر، ناهید، آناهید، بهرام، سروش، باد، ماه، آسمان، خورشید، سپهر و...

### ۴- منشاء بال

مطالعه و بررسی این نقوش، نشان می‌دهد که ایرانیان از گذشته تا امروز با مذاهب و ادیان متفاوت، برای ثبت باورها و اعتقادات خویش، خدایان و ایزدان را به تصویر می‌کشیدند. باستان‌شناس فرانسوی - دکتر جرج کنت - معتقد است که نقوش سفالینه‌های دوران باستان ایران را می‌توان نخستین کتاب جهان نامید. او بیان می‌کند تمامی نقوش هندسی که در سفال‌های کهن ایرانی مشاهده می‌شود معانی و مفاهیم ویژه‌ای دارند. می‌توان این اشکال را نوعی خط تصویری دانست که برای مردم آن دوره مفهوم و گویا بوده‌اند. احتمالاً این اشکال و نقوش هندسی با خدایان و مذاهب نیز ارتباط داشته و نوعی جادو و طلسم در آن ادوار بوده‌اند. اگرچه می‌توان هدف اصلی از به تصویر کشیدن این نقوش که درنهایت سادگی، بسیار زیبا و صریح طراحی شده‌اند را استمداد از نیرو و قدرت‌های طبیعت دانست (عبدالهیان، ۱۳۸۷: ۴۷).

۱- امشاسپندان از صفات پاک اهورامزدا هستند.



تصویر ۲: لرستان، لگام اسب به صورت بزهای بالدار  
(قرن ۷ تا ۸ ق.م)، (حاتم، ۱۳۹۰: ۱۸)



تصویر ۱: بال (هال، ۱۳۸۳: ۳۰)

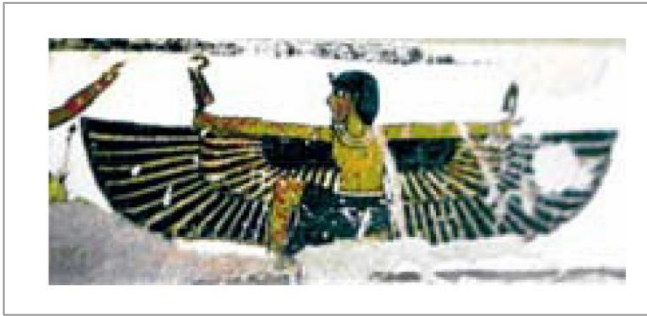
«بال بر روی بدن انسان یا حیوان علامت ایزدی و قدرتِ محافظت است» (هال، ۱۳۸۳: ۳۰) (تصویر ۱). بال‌ها طبیعت روحانی، تحرک، خستگی‌ناپذیری، حفاظت و همه نیروهای فرا گیرنده الهی، پرواز، باد، آزادی، پیروزی و چابکی را به ما نشان می‌دهند. «بال‌ها نشانه پیک ایزدان تیزپا و نیروی ارتباط بین ایزدان و انسان‌ها هستند، بال‌های گسترده به معنی حفاظت الهی یا محافظ آسمان‌ها از گرمای خورشید است» (کوپر، ۱۳۷۹: ۵۱). تعداد بال نیز می‌تواند دارای معانی بسیار باشد. طبق نوشته برخی مورخان؛ کلاه، عصای سلطنتی بالدار، صندل و شیپور نشانه‌ی فرشتگان است. تعداد بال، در روایات اسلامی نماد و نشانه قدرت و سرعت فرشتگان است. در تفکرات بودایی دو بال نشانه‌ی نظم و خرد است و در تفکر سومری - سامی چهار بال معرف فصول و چهار باد می‌باشد. ثیل سامی دارای شش تا چهار بال است که دو بال بسته و دو بال دیگر باز هستند.

شاید این سؤال مطرح شود که آیا نقش بال، در حیوانات تلفیقی بالدار (مانند رب‌النوع‌ها) تقلیدی از بال پرندگان بوده است؟ طبق اعتقادات و باورهای توت‌پرستان؛ روح بزرگ، پس از مرگ تبدیل به پرنده یا حیوان می‌شود، پس این احتمال وجود دارد که نشان و نماد حیوانات بالدار از این تفکر نشأت گرفته باشد (تصویر ۲). در ایران با توجه به سابقه‌ی ترسیم نقوش پرندگان بر کهن‌ترین سفالینه‌ها؛ مانند ظروف سفالین چشمه‌علی ری و اسماعیل‌آباد قزوین و... که متعلق به ۵-۶ هزار سال ق.م می‌باشند و همچنین نقش پرندگانی از جمله شاهین و عقاب (نمودی از اهورامزدا) و حیوانات اسطوره‌ای دیگر که بر روی آثار چون مهرهای استوانه‌ای هزاره چهارم قبل میلاد ترسیم شده‌اند، احتمالاً منبع بال، می‌تواند بال پرندگان باشد.

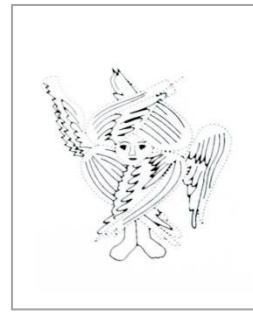
با بررسی و مطالعه در آثار هنری به‌دست‌آمده از اوروک، حسونا، اور، عبید و... در بین‌النهرین (مربوط به هزاره سوم و چهارم) و همچنین لوح مفرغی شهر سوخته (۱۸۰۰ تا ۳۲۰۰) در ایران که کهن‌ترین نمونه از حیوانات بالدار می‌باشند و نیز با توجه به این نکته که خاورمیانه زادگاه ادیان و اعتقاد به حیات پس از مرگ است، می‌توان نتیجه گرفت که ایران و بین‌النهرین احتمالاً منشأ نقش بال می‌باشند (کامبخش، ۱۳۷۹: ۲۱). با در نظر گرفتن این شواهد و دلایل می‌توان این‌گونه استناد کرد که ظهور نقش بال، از نقاشی‌های باستانی خاور نزدیک آغاز شده است. در واقع پل ارتباطی مهم مغرب و مشرق زمین، خاور نزدیک بوده است. اندیشه‌ی موجودات بالدار از مغرب به یونان و مصر انتقال می‌یابد و از مشرق به چین، هند و کشورهای آسیایی می‌رود. با در نظر گرفتن این مهم که نقش فرشتگان و موجودات بالدار در نخستین سلسله فراعنه سامی - عیلامی (دوران کهن مصر) زیاد دیده می‌شود، می‌توان این‌گونه استنباط کرد که نفوذ فرهنگ خاور نزدیک در این دوره‌ها نقش بسزایی داشته است.

## ۵- منشأ فرشته

بشر جهت ایجاد ارتباط بهتر با خدایان، آنان را به شکل موجودات بالدار به تصویر کشیده که در گذر زمان تکامل یافته و از شکل بدوی خارج شده و به نماد و سمبل بدل گشته‌اند. خاستگاه پیدایش این نقوش در تفکر، جهان‌بینی و استنباط‌های بشر در ادوار مختلف نسبت به زندگی و طبیعت بوده است. کثرت نقوش متعدد به‌جای مانده، تغییر و تکامل آن‌ها در دوره‌های زمانی مختلف، نشان‌دهنده‌ی برداشت‌های متفاوت بشر بوده؛ که همواره به‌دنبال ریسمانی برای اتصال به قدرت و مبدأ آفرینش جهان هستی بوده و این اشتیاق به‌یافتن سرمنشاء هستی را در هنر خویش نشان داده است. تمامی مردمان جهان حتی سرخ‌پوستان امریکا، آفریقا و توت‌پرستان نیز همواره تلاش کرده‌اند تا عقاید، باورها و مکتوبات قلبی خویش را به شکل فرشتگان، ایزدان و موجودات بالدار به تصویر درآورند (تصویر ۳).



تصویر ۴: ایزیس، نقاشی روی دیوار، مصر (جعفری و دیگران، ۱۳۸۶: ۱۸)



تصویر ۳: فرشته (هال، ۱۳۸۳: ۲۶۰)

در واقع جیمز هال معتقد است که: «خدایان بالدار و جن‌های مصری، احتمالاً نخستین نمونه‌های نقوش بالدار انسانی و حیوانی بودند که بر اثر فتوحات نظامی و نیز تجارت انتقال یافتند و آن‌ها خود، باعث الهام ایجاد خدایان بالدار یونانی، رم و فرشتگان عبرانی و مسیحی شدند» (هال، ۱۳۸۰: ۲۶۰). اگرچه فرشته با مفاهیم امروزی بر اساس دلایل و شواهد ذیل احتمالاً باید از بین‌النهرین باشد: بیشتر مذاهب، از بین‌النهرین و خاور نزدیک برخاستند. در این ادیان به موجوداتی که از آسمان‌ها به زمین می‌آیند، معتقدند. همچون مذهب بودا از بامیان، مذهب زرتشت از ایران، پیامبران با نژاد عرب و آرامی از بین‌النهرین و مانی از بابل. در این ادیان فرشته بالدار یا بدون بال بر پیامبران و انسان‌ها به صورت یک جوان ظاهر می‌شدند و در واقع واسطه‌ی فیض بودند (جعفری و دیگران، ۱۳۸۶: ۱۸). «توصیفات پیامبران عهد عتیق در تورات، مانند موجودات بالدار حزقیال نبی که به صورت کروی‌باز مسیحی و فرشتگان سرافین درآمده‌اند، می‌بایستی بر اساس یادمان‌های واقعی و احتمالاً بابلی باشد» (هال، ۱۳۸۰: ۲۶۰) «در کتب قانون ثانی، مسیحیت در طویلیا، حکمت دانیال و غیره فرشتگان به صورت جوان ظاهر شدند» (سیار، ۱۳۸۰: ۵۰).

طبق اظهار برخی مورخان، فرشتگان بر شاهان در عالم خواب ظاهر شوند «پادشاهان هخامنشی، مانند همه شاهان بین‌النهرین پیش از آن‌ها؛ منبع علوم غیبی بودند، زیرا از راه خواب و یا واسطه‌های دیگر با خدا ارتباط داشتند» (ک. ادی، ۱۳۴۷: ۷۵). همچون رؤیای خشایار شاه: که در عالم رؤیا، مرد زیبا و بلندبالایی با بال‌های گسترده و افراشته، برای حمله به یونان بر او ظاهر گشته بود و طبق نوشته‌ای از ساموئل ک. ادی «شبهی که در رؤیا توصیف شده کاملاً با اهورامزدا که به صورت انسانی بالدار تصویر شده قابل تطبیق است» (همان، ۷۶) و نیز رؤیای معروف گوداشاه لاگاش برای ساختن یک معبد (خدایش نینگریو).

در واقع نقش بال در هنر مصری بر صندوق تابوت‌ها، دیوارهای معبد و... به شکل پرندگان بالدار با سر انسان، بالای جسد و یا تنها به صورت انسانی بالدار تحت تأثیر تفکر مصر باستان مشاهده می‌شود، اما این انسان بالدار و یا پرندگان، طبق اساطیر مصری با مفهوم فرشته منطبق نیستند. مادر هوروس خداوندگار آسمان با نام ایزیس، بر دیوارهای معبد به شکل انسانی با بال‌های برافراشته نقش بسته اما طبق آیین ارفه‌ای مطابق با مفهوم فرشته نیست. جی. سی. کوپر معتقد است «گاه نیت بالدار است، اما بال در شمایل‌نگاری مصری بسیار کم تصویر شده است» (کوپر، ۱۳۷۹: ۵۲). پس می‌توان این‌گونه نتیجه گرفت که انسان‌های بالدار در هنر مصری واسطه‌ی میان آسمان و زمین نیستند (تصویر ۴).

خدای یونانی «زئوس» نیز بالدار ترسیم شده است، گرچه گیرشمن عقیده دارد که: «در یونان هیچ حیوان افسانه‌ای بالدار پیش از ۷۰۰ ق.م دیده نشده است» (گیرشمن، ۱۳۴۶: ۱۰۸). بنابراین شواهد و قراین منشاء فرشته و بال از یونان و جزیره کرت نیست (جعفری و دیگران، ۱۳۸۶: ۱۸). کهن‌ترین نمونه‌های پیکر بالدار و حیوانات اساطیری بالدار به بین‌النهرین و ایران تعلق دارد. مودهینز در کتابش، موجودات و درندگان افسانه‌ای را طبقه‌بندی و فرشته را در طبقه «انسان حیوان» گروه‌بندی کرده است. ساتیرها، فرشتگان، شیاطین، مینوتاورها و نیز بسیاری نیمه حیوان - نیمه انسان‌های خاور نزدیک که مشخصات نزدیک و مشابه دارند در این گروه قرار می‌گیرند (heinz, 1975: 50).

## ۶- سیر تحول عنصر بال در انسان بالدار قبل از اسلام

از جمله حیوانات ترکیبی بالدار در هنر شرق، شیر- گریفین و پرنده - گریفین است که آشکارا در مهرهای اکدی قابل مشاهده‌اند. از پنجاه درنده‌ی افسانه‌ای، هجده نقش دارای بال هستند، از جمله: ابوالهول، اسفنکس، اژدها، سیمرغ، شیر دال (گریفین)، بنهو، هارپی، ققنوس، پگاسوس، زیز، زو، رخ، تنگو، گارودا، لئوگریف، هیپوگریف، وی ورن، اپینیکوس، باسیلیسک. مودهینز معتقد است: نیمه حیوان - نیمه انسان‌های گوناگون بین‌النهرین که فرم‌های هخامنشی از آن ناشی شده‌اند؛ اجداد قدیمی‌تر اسفنکس‌ها بوده‌اند (heinz, 1975: 116).



تصویر ۶: فیگور بالدار ایشتر، ۲۱۳۰-۲۳۰۰ (جعفری و دیگران، ۱۳۸۶: ۱۹)

تصویر ۵: شمس خدای خورشید از بین کوه‌ها بالا آمده است، مهر اکدی، فیگور بالدار ایشتر، ۲۱۳۰-۲۳۰۰ (جعفری و دیگران، ۱۳۸۶: ۱۹)

در مهرهای اکدی پیکره بالدار ایشتر، ایزد بانوی حاصلخیزی، با نقش شمس مابین کوه‌های شرقی و غربی و نقش شیر نماد ایشتر با حضور خدای آب‌ها، نه‌آ مشاهده می‌شود. در این نقش شاهد دو بال سه‌قسمتی هستیم (موزه بریتانیا، لندن) (تصویر ۵ و ۶) در تصویر دیگری متعلق به مؤسسه شرقی شیکاگوایی نویز، بال‌های ساده، تک‌قسمتی و افقی را مشاهده می‌کنیم (گری، ۱۳۷۸: ۵۶). تعویضی از جنس مفرغ در موزه لوور وجود دارد به نام پازوکی که اهریمنی است با بدن انسان، پنجه‌های عقاب، با سر هیولا و دارای چهار بال می‌باشد (مودهینز، ۱۹۷۵: ۲۷۵) (تصویر ۷). مجسمه بازسازی شده مردی بالدار با سری به شکل شیر که ماری دور او پیچیده شده، خدایی است که برخی آن را اهریمن و برخی زروان خدای بزرگ دانستند. این تصویر معروف کیش مهر است (هینز، ۱۳۷۳: ۱۳۰) (تصویر ۸).



تصویر ۸: تصویر معروف کیش مهر که برخی آن را اهریمن و برخی زروان خدای بزرگ دانسته‌اند، مجسمه بازسازی شده (هینز، ۱۳۷۳: ۱۳۰)



تصویر ۷: اهریمن پازو (Pazuzu)؛ دیو بالدار آشوری با چهار بال، نشان‌دهنده‌ی بادهای توفنده‌ی جنوب‌شرقی و آورنده‌ی بیماری خطرناک، موزه لوور پاریس (heinz, 1975: 275).

احتمالاً قدیمی‌ترین آثار به‌دست‌آمده با نقش بالدار، یافته شده از شهر سوخته (مانند لوح مفرغی صدمه‌دیده) و البته اوروک، حسونا، اور، تپه عبید، جمده نصر و... در (هزاره سوم و چهارم ق. م) در بین‌النهرین می‌باشند. نقوش افسانه‌ای بالدار در تمدن‌های شوش، ایلام، هفت‌تپه، ملیان، چغازنبیل و انشان به شکل «... نیمه گوزن - نیمه ماهی یا نیمه‌انسان - نیمه ماهی متعلق به موجودات نیمه خدایی را می‌توان در نقوش برجسته و مهرها مشاهده کرد» (مجیدزاده، ۱۳۷۰: ۵۰) که در واقع با مذهب آن دوران ارتباط مستقیم دارد.

در مذهب ایلام ۳۲۰۰ ق. م به این دلیل که مقر خدایان و ایزدان را آسمان می‌دانستند، رب‌النوع‌های خویش را که در زندگی آنان مؤثر بودند به شکل حیوانات بالدار مصور می‌کردند. مودهینز معتقد است: نقش موجودات اسطوره‌ای در حدود ۳۲۰۰ ق. م بر مهرهای ایلام به تصویر درآمده است. برخی از خدایان در هزاره چهارم در هیئت جانوران یا دیو پرستش و مصور شده‌اند (heinz, 1975: 116). سنگ‌نبشته مرزی (کودورو) که از سر پل ذهاب کشف شده، متعلق به دوره مردوک آپال آیدن (آخرین پادشاه کاسی‌ها) با دم عقرب، سر شیر شاخ‌دار با پنجه عقاب و دارای بال سه‌قسمتی است که در موزه ایران باستان قرار دارد. آثار بسیار زیاد مربوط به هزاره اول ق. م از مارلیک، حسلو، گنجینه زیویه به شکل مهرهای استوانه‌ای، با طرح حیوانات اسطوره‌ای بالدار چون ابوالهول، اسفنکس، شیر دال یا گریفین و... به‌دست‌آمده است.

در موزه ملی ایران باستان شاهد مفرغ‌های لرستان با نقش حیوانات اساطیری بالدار هستیم که از اهمیت ویژه‌ای برخوردارند؛ مانند یک ظرف از حسلو با سنگ لاجورد که دارای نقش انسان بالدار با سر عقاب و بال دوقسمتی می‌باشد و پلاک مفرغی از



زیویه مربوط به دوره ۱۰۰۰ ق.م. جامی زرین با طرح انسان و بدن شیر که دارای چهاربال با سه ردیف پر و شاه‌پره‌های ظریف نوک‌تیز و طبیعت‌گرا (مربوط به ۱۰۰۰ ق.م) که از مارلیک به‌دست‌آمده است (به شماره ۷۸۱۲-۱۴۸۱۲). بخشی از یک عاج نیم‌سوخته به‌دست‌آمده از حسنلو منقش به طرح گاو یا شیر بالدار با بال تک‌قسمتی (به شماره ۸۸۶۱)، جام زرین عمار لو و مارلیک با نقش حیوان بالدار، روکش تیردان مفرغ از لرستان (به شماره ۱۵۱۸۱)، ظرف لعاب‌دار استوانه‌ای شکل از سرخدم لرستان با بال دو قسمتی مانند گریفین. کاسه‌ی طرح‌دار لرستان که دارای نقش چهار انسان بالدار می‌باشد، سنجاق‌های بالدار از لرستان هزاره اول ق.م، سینه‌بند طلایی گنجینه زیویه، پلاک مفرغی با تصاویر ابوالهول بز بالدار مشهور گنجینه جیحون در موزه لوور پاریس (در بخش مخزن موزه ایران باستان). لوح نقره گنجینه زیویه با طرح دو حیوان با یک سر مشترک شیر و بال‌های تزئینی (گیرشمن، ۱۳۴۶: ۳۱۶). در تصویر پلاک مفرغی، شاهد طرح الهه بالدار هستیم که دو پلنگ را با دو دستش آویزان کرده (پیکر عریان است) و پاهایش شبیه به پنجه عقاب است و دارای چهار بال می‌باشد که شامل چهار ردیف پر ریز و شاه‌پره‌های کشیده و بلند می‌باشد (جعفری و دیگران، ۱۳۸۶: ۲۰).

در آثار مفرغی لرستان، نقش برجسته کاهنی با دو بال ساده وجود دارد که تصویر مردی با چهار بال بر سنجاق‌سر مفرغی کنده‌کاری شده است. (مربوط به قرن ۸ ق.م از سرخدم لرستان به قطر چهارده سانتی‌متر) که با دست‌هایش دو شیر یا ببر را آویزان کرده است. بال‌های این مرد مجلس، تنها از چند ردیف پر ساده به وجود آمده است (کالمیر، ۱۳۷۶: ۹۵) (تصویر ۹). پیکره بالدار زنی که دو شیر را با دست‌های خود آویزان نگاه داشته و دارای دو بال سه‌قسمتی است، در آینه‌ی تزئینات زین اسب در قرن ۷ ق.م مشاهده می‌کنیم. که در قسمت پایانی، بال شکل مدور به خود گرفته است و متعلق به کارمسا یا استانیتر است که در موزه ارمیتاژ نگهداری می‌شود (گیرشمن، ۱۳۴۶: ۳۷۸) (تصویر ۱۰).



تصویر ۱۰: پیکره بالدار که با دو دست، دو پلنگ را آویزان، نگاه داشته است. یک پلاک مفرغی احتمالاً متعلق به سکاها (گیرشمن، ۱۳۴۶: ۳۸۷).



تصویر ۹: الهه بالدار دو شیر یا پلنگ را آویزان نگاه داشته است. سنجاق مفرغی از سرخدم لرستان. قرن ۸ ق.م، ۱۴ سانتی‌متر (کالمیر، ۱۳۷۶: ۹۵).

در نقش برجسته‌های کاخ آشور پال دوم شاهد نقش دو انسان بالدار با سرپوش عقاب هستیم. که با دو طرف در دست، نقش گردافشانی در اطراف درخت زندگی (کاج) را دارند. بال‌های این ایزدان سه‌قسمتی می‌باشد. که بخش‌های بالایی دارای دو ردیف پرهای ریز و بخش‌های پایینی دارای شاه‌پره‌های بلند است (تصویر ۱۱). احتمال دارد آنان نگهبانان گنج‌های زیرزمینی و دروازه‌ها در نقش برجسته‌های کاخ آشور پال دوم، نیمروند باشند. حیوانات اسطوره‌ای نیز در آثار و نقش برجسته‌های آشوریان به‌دفعات دیده می‌شود. «گاه دو درنده‌ی افسانه‌ای (انسان) بالدار در دو سوی درخت زندگی تصویر می‌شوند و بیشتر در نقش نگهبان دروازه‌ها یا گنج‌ها و نیز ثروت زیرزمینی یا معرفت سری بکار می‌روند» (heinz, 1975: 116).

در تصویر نقش برجسته‌ی بالدار در کاخ سارگون دوم، در سده هشتم ق.م در فورس‌آباد، شهریار بیمار از همزاد بالدار خویش (بال یک و دو قسمتی است) جوز کلاغ را که احتمالاً نماد حاصلخیزی بوده است را دریافت می‌کند. در تصویر دیگری که در موزه بریتانیا نگهداری می‌شود، آشور نصیر پال دوم در حال گرفتن نماد حاصلخیزی و نیایش همزاد خویش در کاخ شمال‌غربی در نیمروند می‌باشد و تصویری از یک اثر آشوری که خدای پاسدار نظم، آشور در حال نبرد با هیولا و دیو بی‌نظمی در کاخ آشور بانیبال دوم است که در موزه بریتانیا قرار دارد (گری، ۱۳۷۸: ۱۴). در مهرهای مسطح و استوانه‌ای هخامنشی و آشور، پیکره‌ی کاهنان در حال نیایش با چهار یا دو بال دیده می‌شود. دلو، در دست کاهن نمادی از باران و قرص بالدار، نماد حاصلخیزی است. این مهرها متعلق به هزاره اول قبل از میلاد می‌باشند و فرم کلی و ظاهری آن‌ها اکثراً شبیه است (جعفری و دیگران، ۱۳۸۶: ۷۵) (تصویر ۱۲).





تصویر ۱۱: ایزد بالدار در نزدیکی درخت زندگی (کاج)، (heinz, 1975: 116).



تصویر ۱۲: مهر مسطح، نیمه‌ی اول هزاره‌ی اول ق.م (جعفری و دیگران، ۱۳۸۶: ۷۵)

حیوانات بالدار در دوره‌ی هخامنشی (۳۳- ۵۵۰ ق.م) در حجاری‌های پاسارگاد، بیستون، شوش، کاخ خزانه تخت جمشید، حسلو و گنجینه زیاد دیده می‌شود. مشهورترین تصویر انسان بالدار از زمان هخامنشیان متعلق به تالار کوچک پاسارگاد، واقع در درگاه شمالی کاخ شرقی (از قرن ششم ق.م) است. برخی مورخان این نقش را روح محافظی می‌دانند که از کاخ سلطنتی پاسداری می‌کند.

ظاهراً فرشته نگهبان، لباس بلند ایلام به تن دارد و دارای چهار بال می‌باشد. تاج روی سرش مشابه نمونه‌های مصری است که برخی آن را شبیه به تاج رب‌النوع هوروس می‌داند. همچنین نوشته‌ای به خط ایلامی، بابلی، پارسی که اکنون از بین رفته است. احتمالاً این نقش، نمایش سیروس شاه هخامنشی نیست (تصویر ۱۳). در واقع این چهاربال با چهار جهت جغرافیایی مرتبط باشند. در واقع نخستین پادشاه خاورمیانه که تمامی مذاهب را محترم شمرد کوروش کبیر بود و احتمالاً این چهار بال تداوم همین تفکر باشد. سه‌گانه تفکر مزدیستاییسم، یعنی پندار نیک، گفتار نیک، اندیشه نیک را، در کلاه سه‌طبقه‌ی این نقش نیز می‌توان مشاهده کرد.

تصویر انسان بالدار، فرشته، حیوانات اسطوره‌ای بالدار مانند ابوالهول، گریفین و سیمرغ در آثار هنری دوره ساسانی و پارتی بسیار دیده می‌شود. عنصر بال در این دوره اکثراً تزئینی است و یک نوار تزئینی، پرهای ریز و شاه‌پرهای جدا کرده است. تأثیرات نفوذ ۸۴ ساله یونان در زمان سلوکیان (۲۵۰-۳۳۰ ق.م) بر فرم لباس و بال فرشتگان در نقش برجسته‌ها و یا آثار هنری دیگر دوره‌های بعد همچون اشکانیان و ساسانیان قابل مشاهده است. از نمونه آثار دوره یونانی‌مآبی می‌توان به نقش فرشته بالدار در بیستون کرمانشاه اشاره کرد که بالای سر گودرز قرار گرفته است. مسعود آذرنوش (باستان‌شناس) معتقد است: احتمال دارد این نقش (فرشته) نیکه (الهه عشق یونانی) و معادل فرشته سروش باشد (تصویر ۱۴).

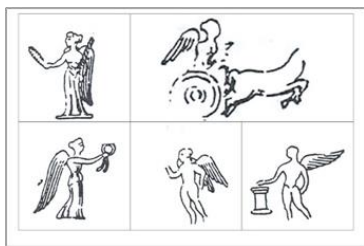


تصویر ۱۴: فرشته بالای سر گودرز، بیستون کرمانشاه، دوره‌ی یونان آبی، زمان مهرداد دوم اشکانی (پارتی)، (یاوری، ۱۳۹۵: ۹).



تصویر ۱۳: طرح‌های متفاوت از انسان بالدار با تاج مصری، لباس ایلامی، جرز سنگی درگاه شمالی کاخ شرقی، تالار کوچک پاسارگاد (جعفری و دیگران، ۱۳۸۶: ۲۲).

نقش دو فرشته نگهبان در طاق‌بستان (کرمانشاه) با لباس و جزئیات یونانی، رومی و بال‌های کاملاً طبیعی مانند پرندگان از معروف‌ترین نمونه‌های تأثیر یافته، از هنر یونان است (یاوری، ۱۳۹۵: ۱۰) (تصویر ۱۵). بر سکه‌های دوران اشکانی تصویر خدای عشق یونانی، اوروس به شکل کودکان عریان، الهه عشق یونان نیکه که شاخه خرما در دست دارد با دو بال دیده می‌شود (تصویر ۱۶).



تصویر ۱۶: نقش خدای عشق یونانی اوروس و الهه عشق یونان نیکه، سکه‌های اشکانی (سرافراز، فیروزمندی و دیگران، ۱۳۷۹: ۳۵).



تصویر ۱۵: فرشته‌های طاق‌بستان، کرمانشاه، دوره ساسانیان (یاوری، ۱۳۹۵: ۱۰).

سینی‌های نقره‌ای از جمله آثار دوره ساسانی هستند که حاوی نقش فرشته به صورت عریان و یا کودک فرشته بالدار می‌باشند. دو نمونه از این طرح در مقالات پنجمین کنفرانس باستان‌شناسی ارائه شده است؛ مانند نقشی در گالری هنری فریر واشنگتن، در این اثر کودک فرشته عریان در بخش بالا سمت چپ دیده می‌شود؛ که جام و چوب بلندی در دست دارد. نقش او به واسطه‌ی تاک‌پیچان به پیکره‌ی نقش اصلی متصل است. بال‌های کودک فرشته دویخشی و کوتاه می‌باشد. سر او تناسب صحیحی با بدن ندارد. سایر پیکره‌ها در این تصویر نیمه برهنه‌اند (تصویر ۱۷). در تصویر دیگر از همین گالری فرشته‌ای در بالای سر شاه، خدمت‌گزاران و نوازندگان قرار گرفته است و ربانی در دست دارد. تمامی پیکره‌ها، مرد و تمامی فرشتگان در این نمونه ملیس می‌باشند (تصویر ۱۸).



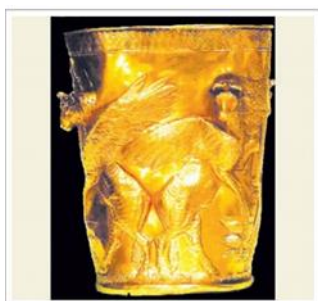
تصویر ۱۸: ملکه نشسته بر تخت در میان نوازندگان، دو فرشته پایین تخت و دو فرشته‌ی دیگر در بالا سمت چپ، قسمتی از یک سینی چکش‌کاری نقره، دوره ساسانی (پوپ، ۱۳۹۵: ۴۲۲).



تصویر ۱۷: سینی نقره‌ی قلم‌زنی، بزم شاهانه و تصویر فرشته محافظ بالای سر پادشاه (یاوری، ۱۳۹۵: ۱۲).

## ۷- فرشته در ایران باستان

نقش فرشته بالدار، از موتیف‌های متجلی در هنر تمدن‌های کهن ایران است. این پیکره‌ی بالدار انسان مانند، بازتاب عقاید و باورهای گوناگون در سیر تاریخ بوده است. از نخستین تمدن‌های جهان می‌توان به تمدن ایلام اشاره کرد، در مهرهای این تمدن، قدیمی‌ترین نمونه‌ها از موتیف بال را می‌توان دید. احترام به زن و زنانگی از مهم‌ترین عقاید و باورهای دینی و اسطوره‌ای در تمدن ایلام بوده است. هنر مهرسازی ایلامی هنری است سرشار از خلق موجودات تلفیقی و تخیلی، از بهترین ابتکارات این دوران، ترکیبی از شیر و عقاب (شیر دال) است که به نام گریفین نیز شناخته می‌شود. در نمونه‌ای از مهرهای استوانه‌ای تمدن ایلام شاهد نقش شیرها و اژدهای بالدار هستیم. در حقیقت موجودی به شکل مار با سری مانند گاو که بال‌هایش را برافراشته است (مجیدزاده، ۱۳۷۰: ۵۱). نمونه‌ای دیگر از نقش حیوانات بالدار را در جام مارلیک، با نقش گاو بالدار مشاهده می‌کنیم. نقش بز بالدار، با نقش کاهنی و دو بال ساده را در ظرف‌های مفرغی لرستان نیز شاهد هستیم (تصویر ۱۹).



تصویر ۱۹: موجودات اسطوره‌ای بالدار، جام مارلیک (فریه، ۱۳۷۵: ۱۴۰)

## ۸- هخامنشیان

ایرانیان در دوره هخامنشی، ویژگی‌های کهن و متفاوت هنر شرق را با جلوه‌های اصیل هنر ایرانی ترکیب کردند و باعث پیشرفت هنر ایران در این برهه‌ی تاریخی شدند. هخامنشیان با تناسب‌دادن، ترکیب‌کردن، ظرافت‌بخشیدن و عظمت‌دادن به شاخه‌های متفاوت هنر، آن را به اوج شکوه رساندند. نماد گوی یا قرص بالدار متعلق به دوره هخامنشیان است که با ترکیب یک حلال بر آرامگاه‌های آن دوره نقش بسته است. این نقش گاهی دارای چهار بال است، اما نوع متداول و مشهور آن دو بال افقی دوطبقه است که به بیرون گسترده شده است. گاهی انسانی با پوشش پارسی به این نقش افزوده شده است. این پیکره گاهی پشت قرص و گاهی از درون آن بیرون زده است (رف، ۱۳۷۳: ۱۵۱) (تصویر ۲۰).



تصویر ۲۰: نقش فروهر از دوره‌ی هخامنشیان (یاوری، ۱۳۹۵: ۸).

برخی مورخین معتقدند که نماد فرّ، گوی یا قرص بالدار است؛ که به‌صورت تنها ظاهر نشده و اغلب همراه با چند نماد دیگر همچون قابِ گچینِ دوره‌ی ساسانی یا گل آفتاب‌گردان در تخت جمشید همراه است. این نماد به‌صورت مکرر در ساختمان‌های این دوره ظاهر می‌گردد. قرص بالدار با آدمک، برعکس گوی بالدار ساده، همیشه تنها استفاده می‌شود و هیچ علامت و نماد دیگری در نزدیکی آن وجود ندارد. زمانی که به موضوع و نقش بال می‌پردازیم از مهم‌ترین نمادهای آن می‌توان به فرّ ایزدی اشاره کرد که رکن مهمی در آیین شاهنشاهی و لازمه‌ی فرمانروایی و قدرت است. فرّ ایزدی نمادی از تأیید الهی و مشروعیت حکومت می‌باشد. نکته قابل‌تأمل دیگر این است که دو بال رو به بالا متصل به آدمک روی گوی است که می‌تواند منشأ یا نشانه‌ی ایزدی و دلالت بر ویژه بودن (خدا بودن) باشد. قرص بالدار ساده‌ی دوران هخامنشی، نمونه ساده‌ای از نشان و نماد اهورامزدا می‌باشد که آدمک در مرکز آن قرار گرفته است. نمونه‌ی ساده‌تر از نشان اهورامزدا، قرص بالدار ساده‌ی دوران هخامنشی است که آدمکی در مرکز آن قرار دارد (تصویر ۲۱).



تصویر ۲۱: مهرگلی دارای نقش اسطوره‌ی بالدار، جام مارلیک (پوپ، ۱۳۹۵: ۴۲۰).

مشابهت این دو نشان مشخص می‌کند که تنها آپم، میترا و نپات بخشنده فرّ نیستند و اهورامزدا نیز در مقام و جایگاه مشابه آنان قرارداد (سودآور، ۱۳۸۴: ۱۵). علاوه بر نماد فرّ ایزدی، نقش بال را نیز می‌توان در دوران هخامنشیان بررسی کرد. رومن گیرشمن، طرح یک بز بالدار بر روی ماسک یا کوزه را مطرح می‌کند که به حالت ایستاده مصور شده است و در واقع می‌تواند نمادی از قدرت و نیروی حیات را با در نظر گرفتن حرکت رو به بالا بیان کند. یا صرفاً برای دفع بلا، چشم بد و ارواح خبیث باشد. در این دوران باور داشتند که با تجسم این نماد باران می‌بارد و به نیروی جاودانه‌ی این بز کوهی بالدار معتقد بوده‌اند. به‌احتمال قوی این باور تحت نفوذ آئین و فرهنگ یونانیان نیز بوده است. به گفته گیرشمن: کهن‌ترین نقوش و آثار بالدار در دوره هخامنشی، در شهر پاسارگاد قرار دارند و هیچ حیوان اساطیری بالدار قبل از ۷۰۰ قبل از میلاد در یونان ملاحظه نشده است (گیرشمن، ۱۳۴۶: ۳۳۶).

محققین و باستان‌شناسان معتقدند، انسان بالدار که در تخت‌جمشید، بیستون و آرامگاه‌های پادشاهان هخامنشی به شکل بسیار باعظمت و باشکوه ملاحظه می‌شود تصویر اهورامزدا است. ایرانیان باستان به خدایان و رب‌الأنوع بسیار معتقد بودند و با در نظر گرفتن این موضوع، اهورامزدا را به تصویر درآورده‌اند. آنان طرح کاخ سه دروازه را نشان اهورامزدا در حالت پرواز در آسمان می‌دانند (همان: ۸۹). در تصاویر این دوره، اکثر بال‌ها در انتها، حالت منحنی دارند. همچون شیر بالدار ریتون‌ها، متعلق به دوره

هخامنشی و یا لوح طلائی متروپلیتن (از همدان)، ابوالهول دروازه بزرگ خشایار شاه، گریفون‌های تالار صد ستون، ابوالهول دروازه ملل، نقش گاو بالدار بر آجر لعاب‌دار، طرح شیر دال بر آجرهای لعابی شوش و... که متعلق به قرن ۵ و ۶ (ق.م) می‌باشند. در این آثار، اغلب بال‌ها سه‌قسمتی و در مواردی انتهای بال‌ها صاف است (تصویر ۲۲).



تصویر ۲۲: بشقاب مفرغی با نقش گاو بالدار، مربوط به پادشاهی اردشیر دوم هخامنشی است (قرن ۵ تا ۶ ق.م)، (حاتم، ۱۳۹۰: ۱۹).

## ۹- اشکانیان

هنر پارتیان بسیار جالب‌توجه و قابل‌بررسی است. نه تنها شاهد نفوذ عظیم هنر یونان بلکه شاهد جذب شیوه‌ی تزئین، سنت‌ها و خصوصیات هنری هخامنشی تا پیدایش هنر کاملاً مستقل و نوین هستیم. ساغر‌ها (ریتون) کشف‌شده از نسا (پایتخت پارتیان)، نقش برجسته گریفون بالدار؛ فیل، حیوانات تلفیقی، الهه‌ها و... از نمونه‌های شایان توجه در آثار هنری اشکانیان هستند (دیاکونوف، ۱۳۵۱: ۱۲۶). با بررسی و مطالعه تطبیقی این ساغر‌ها به نکات جالب‌توجهی دست خواهیم یافت از جمله شکل کلی آن‌ها که در واقع شرقی است و نوع تزئینات آن به دوره هخامنشی برمی‌گردد که مشابه قدامی کرکس است. این احتمال وجود دارد که انتخاب کرکس ارتباط مستقیم با اعتقادات و باورهای مهرپرستی پارتی‌ها داشته است.

## ۱۰- ساسانیان

نقش‌های ساسانی با تکیه بر نمادهای قراردادی بر سکه‌ها، ظروف نقره و یا سنگ‌نگاره‌ها همراه با کارکرد و تبلیغات سیاسی است. برخی از این نقوش نمادین از سنت‌های هنری اشکانیان جذب‌شده و بعضی دیگر حاوی شعارهای نوین ساسانی است. برای شناخت و درک معانی نقوش و هنر دوره ساسانی باید اطلاعات دقیقی از شعارها و مضامین نقش بسته بر سنگ نبشته‌ها و سکه‌ها داشته باشیم (سودآور، ۱۳۸۴: ۶۷). در هنر ساسانیان، اگر پیکره‌ای قرینه پادشاه و دقیقاً در برابر او قرار بگیرد قطعاً از ایزدان است و نه انسان‌ها. در دوره اشکانی و ساسانی، بال‌ها دارای تنوع و حالت تزئینی بیشتر نسبت به دوران گذشته هستند. انتهای بال‌ها اکثراً دارای انحنا بیشتری است و شاه‌پر اول، خمیده‌تر به نظر می‌رسد. بال‌ها دارای دو بخش اصلی هستند، بخش اول منحنی با پره‌های ریز یا طرح تزئینی پوشانده شده است و بخش دوم شامل شاه‌پره‌های بلند با اندکی خمیدگی است و به نقش‌تزئینی ختم می‌شود. در واقع یک نوار تزئینی مابین این دو بخش قرار گرفته است. در بعضی از نمونه‌های نقش برجسته‌ی دوران ساسانی که نفوذ هنر و فرهنگ یونانی در دوران سلوکیان در آن قابل‌مشاهده است، بال‌ها واقع‌گرایانه هستند (تصویر ۲۳). در این دوره فرشتگان عریان یا نیمه‌عریان با لباس‌های متأثر از یونان و رُم ملاحظه می‌شوند. در نهایت یافته‌ها در این پژوهش نشان می‌دهد که نقش فرشته در دوره ساسانی، کارکرد سیاسی و اساطیری پُررنگی داشته است. گاهی رنگ و بوی کودک فرشته‌ها در غرب را نیز دارند و یا باحالتی الوهی حامل پیام‌های سیاسی پروردگار خویش هستند.



تصویر ۲۳: بشقاب ساسانی با نقش دو جوان سوار بر دو اسب بالدار (حاتم، ۱۳۹۰: ۲۰).

## ۱۱- نتیجه‌گیری

با تأمل در آثار هنری پیش از اسلام در می‌یابیم که نقشِ بال، تجسم ایزدان و نماد محافظت و قدرت بوده است، لذا بر روی بدن حیوان، انسان، موجودات نیمه انسان و نیمه حیوان به تصویر کشیده شده است. در واقع ایرانیان قبل از اسلام، به حیات پس از مرگ اعتقاد داشتند. پس موجودات بالدار را به تصویر درآوردند، زیرا در هنر آن دوران انسان بالدار تجسم ایزدان و یا روح پادشاه بزرگ و یا متوفی بوده است و چون این نماد برای آنان مقدس بود، در گذر زمان به جنبه‌های زیبایی‌شناسی آن افزوده شد. طبق اسناد مصور موجود، انسان بالدار در آثار هنری یونان، مصر، بین‌النهرین و ایران مشاهده می‌شود. پس نمی‌توان آن را صرفاً یک نشان ایرانی دانست. در واقع این احتمال وجود دارد که منشاء این نماد از بین‌النهرین و ایران باشد. با بررسی و مطالعه در نقوش متنوع بال و تأثیرات متقابل فرهنگی و هنری بین‌النهرین و ایران نمی‌توان الگو و فرم ثابتی برای نقش بال در هر دوره تاریخی مشخص کرد. نقش بال در مهرهای اکد و سکه‌های آشور بسیار ساده و تک‌قسمتی بوده است؛ اما با گذر زمان، در نقش برجسته‌های هخامنشیان، با فرم مشخص دو یا سه قسمتی و ظرافت قابل‌ملاحظه در این نماد روبرو هستیم. در هنر پارتی و ساسانی نقش بال به حالت واقع‌گرایانه نزدیک می‌شود. این احتمال وجود دارد که فرم واقع‌گرایانه یا تجریدی نقش بال در ادوار مختلف به اعتقادات و باورهای آن زمان ارتباط مستقیم داشته باشد.

## منابع

۱. آموزگار ژاله، تفضلی احمد، (۱۳۹۲)، «زبان پهلوی ادبیات و دستورات آن»، تهران: نشر معین.
۲. اخوت، احمد (۱۳۹۲)، «فرشتگان»، تهران: نشر افق.
۳. افضل طوسی، عفت السادات (۱۳۹۳)، «طبیعت در هنر باستان»، تهران: نشر مکتب سپید.
۴. پوپ، آرتور (۱۳۹۵)، «شاهکارهای هنر ایران»، پرویز نائل خانلری، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
۵. دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۸۵)، «لغت‌نامه، فرهنگ متوسط دهخدا»، تهران: موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
۶. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۳۸۸)، «مفردات الفاظ القرآن»، سیدغلامرضا خسروی حسینی، تهران: کتابخانه مرتضوی.
۷. رضی، هاشم (۱۳۷۹)، «حکمت خسروانی سیر تطبیقی فلسفه و حکمت و عرفان در ایران باستان»، تهران: نشر بهجت.
۸. رف، مایکل (۱۳۷۳)، «نقش برجسته‌ها و حجاران تخت جمشید»، هوشنگ غیائی‌نژاد، تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور، گنجینه هنر.
۹. سرفراز علی‌اکبر، فیروزمندی بهمن، سروقدی محمدجعفر، محسنی حسین، (۱۳۸۱)، «باستان‌شناسی و هنر دوران تاریخی ماد، هخامنشی، اشکانی، ساسانی»، چاپ نخست، تهران: انتشارات عفاف.
۱۰. سودآور، ابوالعلاء (۱۳۷۶)، «فره ایزدی در آیین پادشاهی ایران باستان»، تهران: نی.
۱۱. سیار، پرویز (۱۳۸۰)، «کتاب‌هایی از عهد عتیق، کتاب‌های قانون ثانی، بر اساس کتاب مقدس اورشلیم»، تهران: نشر نی.
۱۲. صفارهرندی، علی‌اصغر (۱۳۹۱)، «یاران شیطان»، قم: نشر تحسین ماه.
۱۳. فریه، ر.دبلیو (۱۳۷۴)، «هنرهای ایران»، پرویز مرزباف، تهران: نشر فرزاد.
۱۴. کادی، ساموئل (۱۳۴۷)، «آیین شهریار در شرق»، فریدون بدره‌ای، تهران: بنیاد ترجمه و نشر کتاب با همکاری موسسه انتشارات فرانکلین.
۱۵. کالمیر، پیتر (۱۳۷۶)، «مفرغ‌های قابل تاریخ‌گذاری لرستان و کرمانشاه»، محمد عاصمی، تهران: انتشارات میراث فرهنگی.
۱۶. کامبخش، سیف‌اله (۱۳۷۹)، «سفال و سفالگری در ایران از ابتدای نوسنگی تا دوران معاصر»، تهران: ققنوس.
۱۷. کوپر، جی. سی (۱۳۷۹)، «مصور نمادهای فرهنگ سنتی»، ملیحه کرباسیان، تهران: انتشارات فرشاد.
۱۸. گری، جان (۱۳۷۳)، «اساطیر خاور نزدیک، بین‌النهرین»، عباس مخبر، تهران: مرکز.
۱۹. گری، جان (۱۳۷۸)، «اساطیر خاور نزدیک بین‌النهرین»، باجلان فرخی، تهران: انتشارات اساطیر.
۲۰. گیریشمن، رومن (۱۳۴۶)، «هنر ایران در دوران ماد و هخامنشی»، عیسی بهنام، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
۲۱. م.م. دیاکونف (۱۳۵۱)، «اشکانیان»، کریم کشاورز، تهران: انتشارات پیام ساسانی.
۲۲. مجیدزاده، یوسف (۱۳۷۰)، «تاریخ تمدن ایلام»، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
۲۳. هاکس، جیمز (۱۳۷۷)، «قاموس کتاب مقدس»، تهران: اساطیر.
۲۴. هال، جیمز (۱۳۸۰)، «فرهنگ نگاره‌ای نمادها در هنر شرق و غرب»، رقیه بهزادی، تهران: فرهنگ معاصر.
۲۵. هال، جیمز (۱۳۸۳)، «فرهنگ نگاره‌ای نمادها»، رقیه بهزادی، تهران: فرهنگ معاصر.
۲۶. هنیلز، جان (۱۳۷۳)، «شناخت اساطیر ایران»، ژاله آموزگار و احمد تفضیلی، تهران: نشر چشمه.

۲۷. یآوری حسین، نور ماه فروهر، (۱۳۸۰)، «نگرشی بر تحولات صنایع دستی در جهان»، چاپ پنجم، تهران: شرکت انتشارات سوره مهر.
۲۸. جعفری زهره و آیت الهی حبیب وحیدری مرتضی، (۱۳۸۶)، «بررسی شکل‌گیری نقش فرشتگان (انسان بالدار) در منابع تصویری قبل از اسلام»، دو فصلنامه مدرس هنر، دوره دوم، پاییز و زمستان، شماره دوم، ۱۷-۲۴.
۲۹. حاتم غلامعلی و بهبهانی تارا، (۱۳۹۰)، «زیبایی‌شناسی در ظهور بال و تکامل نماد بال»، دو فصلنامه علمی-پژوهشی هنرهای تجسمی نقش مایه، سال چهارم، بهار و تابستان، شماره هفتم، ۱۷-۲۴.
۳۰. عبدالهیان، بهناز، (۱۳۸۷)، «مفاهیم نمادهای مهر و ماه در سفالینه‌های پیش از تاریخ»، هنرنامه، سال اول، شماره دوم، ۴۷.
31. Mode Heinz, (1975), Fabulous Beasts and Demons, Phaidon Press Limited.
32. Vth International Congress of Iranian Art & Archaeology, (11 th April 1968), Tehran – Isfahan; Shiraz, volume1. P.260.